

## میکینگ کلمه

بگیرند. مثلاً جالب است بدانید نوع واژه‌سازی در ادبیات عرب اشتقاقی است. یعنی عرب زبان‌ها یکی سری قالب دارند که با بردن ریشه کلمات و در آن وزن، اسم مکان و زمان و فعل و... می‌سازند. در حالی که واژه‌سازی در زبان فارسی افزایشی است. یعنی ما با استفاده از ترکیب کردن کلمه‌ها و به کار بردن پیشوندها و پسوندها واژه می‌سازیم. به کلماتی مثل دانشجو، درمانگر، کتابخانه، خوشحال، غمگین و... دقت کنید و بخش‌های مختلفشان را از هم تفکیک کنید تا متوجه مدل واژه‌سازی در زبان خودمان بشوید.

این که بگوییم زبان فارسی پویایی خودش را از دست داده است، به هر جهت دور از خرد است. زبان فارسی در تاریخ طولانی در مواجهه با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون خود را حفظ کرده است. افتخارآمیز است که بدانیم بعد از حمله اعراب، تنها زبانی که از دست نرفت و باقی ماند، زبان فارسی است. تمام اینها نه اتفاقی رقم خورده و نه فقط مربوط به گذشته این زبان است. زبان فارسی قابلیت‌های زیادی برای واژه‌سازی دارد. باید تحلیلگران سیاست‌گذاری اجتماعی با زبان‌شناسان همفکری کنند تا از قابلیت‌های این زبان کاربرد



## ناجی‌اف زبان فارسی



کرده که استفاده از پیشوندها و پسوندهای فارسی برای واژه‌سازی دارای اهمیت است. رسم الخط خود را راهی برای نجات پویایی زبان می‌داند. می‌خواهد مردم هنگام خواندن کتاب‌هایش به ریشه کلمات دقت کنند. مکث کنند و فکر کنند که این واژه چطور ساخته شده تا مقدمه‌ای باشد برای خلق واژه‌های نو. هرچند قصد ندارد با تبلیغ این رسم الخط، آن را تبدیل به نگارشی مرسوم کند تا به مدل نوشتن تمام مردم جامعه تعمیم داده شود. فقط این نوع نگارش را فرصتی می‌داند برای دقت و تفکر در واژه‌های فارسی.

اگر تا حالا یکی از کتاب‌های رضا امیرخانی را تورق کرده باشید متوجه رسم الخط عجیب این نویسنده می‌شوید. رضا امیرخانی بین بخش‌های مختلف کلمات از نیم فاصله استفاده می‌کند. یعنی به جای نوشتن «دوستانه» می‌نویسد «دوست‌انه». برای بیشتر خوانندگان رضا امیرخانی، این کار چیزی بیشتر از یک بازی زبانی و خلاقیت با واژگان که به نوعی برند شخصی این نویسنده شده نیست. در حالی که امیرخانی در کتاب چگونه می‌نویسیم؟ دلیل این کارش را به طور مفصل توضیح داده و اشاره

## فرهنگستان ادب پرشین

انبوهی از واژگان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند و همچنان از آنها استفاده می‌کنیم. در حالی که این روش ترجمه بیشتر مناسب واژگان تخصصی مانند اتم، سلول و... است. راه بعدی ترجمه تحت الفظی یا Loan Translation است. این راه دقیقاً چیزی است که قبل‌تر با عنوان واژه‌سازی از آن یاد کردیم. در این روش اجزای یک واژه یا ترکیب خارجی به زبان مقصد ترجمه شده و سپس به هم چسبیده می‌شوند. به طور مثال واژه Helicopter که فرهنگستان زبان فارسی به بالگرد ترجمه کرده است یا واژه Fax که معادلش دورنگار تصویب شده است. این معادل‌سازی‌ها چون با در نظر گرفتن قابلیت‌های زبانی ماست، راحت‌تر پذیرفته شده و به نسبت مدل بعدی که توضیح خواهیم داد بهتر وارد دانش زبانی عموم مردم جامعه شده و در آن جای می‌گیرد.

راه بعدی معادل‌یابی بومی یا Semantic Translation است. در این روش، به جای ترجمه دقیق یا قرض‌گیری، مفهوم یا کارکرد واژه در زبان بیگانه شناسایی می‌شود و یک معادل بومی یا سنتی برایش انتخاب می‌شود. مثل وقتی که به Monopod می‌گوییم خویش‌انداز یا به Computer به جای انتخاب معادلی مثل مغز الکتریکی یا شمارش‌گر می‌گوییم؛ رایانه.



زبان موجودی زنده است و همراه مردم رشد می‌کند. به همین دلیل در تمام ادوار، ترکیب شدن زبان فارسی با زبان‌های دیگر امری عادی و غیر قابل اجتناب بوده و هست. نه فقط در زبان فارسی بلکه این اتفاق در تمام زبان‌ها رایج است. جایی که محل بحث است، نحوه مواجهه با این کلمات بیگانه است. شیوه‌های انتقال واژگان از زبان بیگانه به زبان مقصد به سه نوع دسته‌بندی می‌شود. وقتی ما در برابر واژه‌ای از زبانی دیگر قرار می‌گیریم، سه راه برای برخورد با آن داریم. اولین راه که به تازگی طرفداران زیادی پیدا کرده، روش وام‌گیری یا قرض گرفتن یا Borrowing Translation است. این روش یعنی واژه بیگانه را همان‌طور که هست بپذیریم و وارد زبان خود کنیم. مثل وقتی که

واژه تلویزیون را بدون تغییر وارد زبان خود کرده‌ایم و از آن استفاده می‌کنیم. یا واژه Fiance که انگلیسی زبان‌ها از زبان فرانسه بدون تغییر وام گرفته‌اند. حتماً شنیده‌اید که بسیاری از تحلیلگران باین استدلال که زبان پویاست و وارد شدن کلمات بیگانه همیشه رایج بوده، استفاده از کلمات انگلیسی را قابل قبول می‌دانند و تعامل بین زبان‌ها را مرسوم. همان‌طور که زمانی به خاطر تعامل فرهنگی زیاد با جهان عرب،

# بیج

کالامات روزمره سال به سال بیشتر رنگ‌ترها نیز سرایت کرده است. پس جوانه، به بهانه روزپاسداشت ادب عضل رفته‌ایم که دارد گریبان تمام از چپستی و چرایی‌اش گرفته‌ایم و ستمان برمی‌آید صحبت کرده‌ایم.

همه‌های جانبی گروه‌های موسیقی همراه است.

ریمی به طور معمول به دست بیسی زبان است، میزان تعامل یک مصرف‌کننده فعال با این زبان طوری که حتی اگر زبان انگلیسی نت برای لذت بیشتر و جانمندان نعت سرگرمی، زبانش را در حد دلاوه بر اینها باید توجه داشت که زبان‌های گوناگون، نیاز به یک برای جلوگیری از خطرات افزایش

مفهومی را به مخاطب منتقل ملی فارسی پیدا نمی‌کنیم، مشکل در زبان انگلیسی به حالتی که دارید و او از این علاقه شما خبر دن می‌گویند. حالتی که در فارسی

ت. نشان دهنده مسأله‌ای زبانی تنه رفته گریبان گیر تمام مردم می‌شود. به این مسأله از دست بی یک زبان می‌گویند. وقتی زبانی واژه‌سازی خودش را از دست بدهد طراح می‌گوییم که پویایی‌اش از ت رفته است. چرا که زبان قرار بود های ما در انتقال مفاهیم روز را کند و وقتی نتواند پا به پای ما ش بیاید و واژه‌های به روز در اختیار ما قرار دهد، نشان از این دارد که به همان حالت دچار شده است.